

انگاره های روایت فتح و پیروزی ایران در مقابل جنگ با آمریکا و رژیم جعلی صهیونیستی

یکی از مهمترین اقدامات پس از جنگ، روایت آن برای افکار عمومی است که ما (ایران) در این جنگ، با توجه به خسارتهایی که دیده ایم به چه موفقیتها و دستاوردهایی رسیده ایم و بر اساس چه معیارها و انگاره هایی خود را فاتح و پیروز این میدان میدانیم. در ذیل به برخی از انگاره های فتح و پیروزی ایران در جنگ ۱۲ روزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره میکنیم :

۱- ایستادگی و ضربه زدن به ۲ قدرت اتمی جهان

نفس حمله همزمان و مستقیم دو قدرت اتمی به یک کشور غیر اتمی و عدم دستیابی به اهداف اعلامی و تحمیل توقف جنگ به آنها، یک پیروزی راهبردی برای آن کشور غیر اتمی (ایران) هست .

۲- مقاومت و تحمیل توقف جنگ بر مبنای به استیصال رساندن جبهه آمریکا، رژیم صهیونی، ستنکام، یو کام، ناتو، کشورهای مرتجع حوزه خلیج فارس و دهها سرویس اطلاعاتی-امنیتی

نفس اینکه جبهه ای چندین کشور و دهها سرویس اطلاعاتی با پیشرفته ترین تجهیزات و تسلیحات آن همه هیاو و ادعا در مقابل ایران قرار بگیرند و در نهایت با مقاومت و تهاجم استیصال کننده ایران مجبور به درخواست آتش بس و توقف حملات شوند یک فتح الفتوح بزرگ است .

۳- تبدیل کردن تلاویو به غزه از حیث تخریب چهره شهر و ویرانگر بودن آثار موشکهای اصابت شده به مراکز متعدد نظامی - امنیتی

آنچه از تصاویر مخابره شده از تلاویو در رسانه منتشر میشود تداعی کننده و همانند ساز آن است که ایران تلاویو را تبدیل به ویرانه ای کرده است همانند اقدامی که رژیم صهیونی با غزه مظلوم و بی دفاع انجام داده است. به تعبیری ایران، بخشی از انتقام مردم مظلوم غزه را از رژیم صهیونیستی گرفت .

۴- عدم تحقق اهداف رژیم صهیونی در جنگ با ایران (نابودی توان هسته ای و موشکی کشور)

آنچه آمریکا و رژیم جعلی صهیونیستی از اهداف خود به صورت رسمی اعلام کردند نبود کردن توانمندیها و دانش هسته ای و همچنین قدرت موشکی ایران بود اما در نهایت آنچه پس از جنگ ۱۲ روزه هویدا است هم باقیماندن توان موشکی ایران هست و هم توان هسته ای (هر چند در این بین تعدادی از دانشمندان هسته ای کشور شهید شدند و به بخشی از تاسیسات هسته ای آسیب وارد شد)

۵- رساندن رژیم صهیونی به لبه گسست و فروپاشی سیاسی-اجتماعی و تسریع در نابودی سیاسی آن

طاق شدن تاب آوری ساکنان سرزمینهای اشغالی، فرار آنها به کشورهای دیگر، کمیاب شدن ارزاق عمومی، عدم توانمندی دولت در تامین نیازمندیهای مردم، ظهور و بروز اختلافات عمیق سیاسی و ... گواه رسیدن جامعه صهیونی به لبه گسست و فروپاشی سیاسی - اجتماعی در سرزمین های اشغالی است که مقدمه نابودی کامل این رژیم جنایتکار و وحشی است .

۶- اثبات و تثبیت قدرت و توانمندی بالای موشکی، پهپادی و سایبری ایران در دنیا

در طول جنگ ۱۲ روزه جهانیان شاهد بودند که دقت و قدرت تخریبی موشک های ایران چگونه بود و چطور موشکها و پهپادهای ایرانی از لایه های متعدد پدافندی رژیم صهیونی عبور میکردند و به اهداف از پیش تعیین شده برخورد میکردند .

۷- اثبات حقانیت گفتمان انقلاب اسلامی در افکار عمومی داخلی و بین المللی در مقوله مقاومت و جهاد در برابر رژیم جنایتکار صهیونیستی و آمریکا

در طول دهه های گذشته گفتمان انقلاب اسلامی که میگفت تنها با مقاومت و جهاد است که میتوان در مقابل رژیم جنایتکار صهیونی ایستاد و او را شکست داد، باید در سرزمین دشمن و دور از خطوط مرزی با دشمن جنگید تا تهران و تبریز و کرمانشاه در امنیت باشد، مذاکره با دشمن تامین کننده منافع ما نیست و و در مقابل این گفتمان، جریان غربگرا سمپاشی میکردند. امروز همگان صحه گذاشتند بر حقانیت گفتمان انقلاب اسلامی و بعضا اعتراف کردند به خطای شناختی خود از دشمن

۸- اثبات رسیدن جمهوری اسلامی ایران در توانمندی هسته ای به مرحله ای که حتی با تهاجم نظامی نیز قابل نابود شدن نیست

سالها جمهوری اسلامی ایران میگفت که دانش و توانمندی هسته ای اش بومی شده و از مرحله ای که دشمن بتواند آن را نابود کند عبور کرده است. در فردای توقف جنگ ۱۲ روزه، همگان شاهد بودند که بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران آمریکا و رژیم صهیونی اقرار کردند با اینکه از تمام ظرفیت خود در حمله با توانمندی هسته ای ایران استفاده کردند، نتوانستند این دانش و توانمندی را در ایران نابود کنند .

۹- اثبات غیرت و شجاعت ملت ایران در درهم کوبیدن هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی و آمریکا با حمله مستقیم به پایگاه العدید در قطر و نابود کردن دهها مرکز و پایگاه مهم امنیتی، نظامی در سرزمین های اشغالی

اینکه ملت ایران با اتکا به توانمندی های بومی شده خود با حمله مستقیم به پایگاه راهبردی العدید آمریکا و نیز نابود کردن دهها مرکز و پایگاه راهبردی و مهم امنیتی، نظامی، اطلاعاتی و ... رژیم اسرائیل با توجه به دفاع چند لایه پیشرفته، هیمنه پوشالی آنها را در افکار عمومی جهانیان درهم کوبید و به دشمن فهماند که تعرض به ایران هزینه سنگینی برایش دارد که پس از آن شاهد بودیم ترامپ تلاش کرد روند جنگ را تغییر دهد و با واسطه کردن قطر در خواست توقف جنگ را به ایران داد، یک پیروزی بزرگ و راهبردی برای ایران بود و هست. در عملیات بشارت فتح ایران به همگان اثبات کرد که دسترسی به مراکز مهم آمریکا در منطقه را دارد که در هر زمان مقتضی میتواند به آن حمله کند.

۱۰- اثبات مدیریتِ معقولانه و هوشمندانه جنگ توسط حاکمیت با کنترل توازن پاسخگویی به دشمن و وارد کردن ضرباتِ راهبردی در جهت به استیصال کشاندن او

اینکه ایران جنگ را بصورت معقولانه و هوشمندانه مدیریت کرد که هم از گسترش جنگ جلوگیری کند، هم توازن پاسخگویی به دشمن را حفظ کند، هم تاب آوری دشمن را درهم شکند، هم دشمن را در حداقل زمانِ ممکن به مرحله استیصال بکشاند، هم دشمن را در رسیدن به اهداف اعلامی ناکام کند و هم شکست و توقف جنگ را بر او تحمیل کند یعنی ایران پیروزِ میدانِ جنگ بوده است .

۱۱- تنها کشوری که به دو پایگاهِ مهم و راهبردی آمریکا حمله موفقیت آمیز داشته ایم

ایران تنها کشوری است که شجاعت، توانایی و این افتخار را داشته در دو دوره متفاوت به دو پایگاهِ مهم و راهبردی آمریکا بصورت مستقیم و آشکار حمله نظامی کند، هیمنه و هژمونی قدرت او را به سخره و چالش بکشاند، قدرت و اقتدار خود را به او و جهانیان اثبات کند که این انگاره نیز گواهی بر اقتدار، پیروزی و ایجاد غرور ملی برای ملت ایران و انقلاب اسلامی و حتی جهان اسلام است .

۱۲- ارتقاء جایگاه و محبوبیت روز افزون جمهوری اسلامی ایران در میان افکار عمومی دنیا به واسطه ضربات سهمگینی که به پیکره رو به زوال رژیم صهیونی وارد کرد

با توجه به منفوریت بالای رژیم صهیونیستی در افکار عمومی دنیا به دلیل جنایتهای متعددی که بر علیه مردم مظلوم و بی دفاع غزه انجام داده است، و اینکه ایران با قدرت تهاجمی خود ضربات سهمگین و مهلکی بر پیکره نحس و رو به زوال رژیم صهیونی وارد کرد در میان افکار عمومی دنیا بخصوص مسلمانان محبوبیت و جایگاه ویژه پیدا کرد که قطعا یکی از مولفه های عظمت، اقتدار و پیروزی راهبردی ایران بر آمریکا و رژیم صهیونی هست .

۱۳- شکل گیری انسجام ملی و همدلی اجتماعی در عالی ترین وضعیت خود در طول چند دهه گذشت

بدون شک، یکی از مهمترین و ویژه ترین دستاوردها و موفقیت‌های ایران در جنگ ۱۲ روزه، شکل گیری انسجام ملی و همدلی اجتماعی در عالی ترین وضعیت خود در طول چند دهه گذشته هست که شاهد بودیم سلاقی، تفکرات، احزاب مختلف و ... در حمایت از ایران قیام کردند و در مقابل آمریکا و رژیم صهیونی قرار گرفتند و شمه ای از ثروت فرهنگی و تمدنی ایران را در برابر جهانیان به نمایش گذاشتند.

۱۴- تجلی پیدا کردن نقش برجسته مقام رهبری در راهبری، مدیریت و شکل گیری انسجام ملی، همدلی اجتماعی در دفاع ملی از کیان سرزمینی ایران

یکی دیگر از شاخص های هویدای فتح الفتوح ایران در جنگ ۱۲ روزه با آمریکا و رژیم صهیونی، تجلی پیدا کردن نقش و جایگاه رهبری در حفظ کیان کشور، مدیریت حکیمانه بحران، خروج از موضع غافگیری و ضعف و رسیدن به تسلط بر دشمن، شکل دهی به انسجام ملی و همدلی اجتماعی، حفظ و ارتقاء غرور ملی، حکمرانی مطلوب در دوران جنگ، شجاعت در مقابل دشمن و ... بوده است که باید برای ثبت در تاریخ به درستی تبیین گردد.

۱۵- افزایش کم سابقه جایگاه و محبوبیت بی نظیر حضرت آقا در میان قلوب آحاد مردم ایران و افکار عمومی جهان

دشمن سالها بود که یکی از اهداف راهبردی اش را تخریب و تضعیف ولایت فقیه و شخصیت مقام معظم رهبری در افکار عمومی جامعه ایران تعیین کرده بود و با شدت و حدت زیادی با ابزارهای مختلف و در قالب جنگ شناختی به آن اهتمام می ورزید اما آنچه در طول جنگ ۱۲ روزه تحقق و تجلی پیدا کرد افزایش کم سابقه جایگاه و محبوبیت مقام معظم رهبری به واسطه شجاعت در تصمیم گیری و اعلام موضع، عقلانیت در مدیریت جنگ و حکمرانی جامعه ذیل جنگ در میان افکار عمومی و قلوب آحاد جامعه ایران و افکار عمومی بین المللی بود.

۱۶- اقرار دوست و دشمن به پیروزی قاطع ایران در جنگ ۱۲ روزه

همگان شاهد بودند که هم در حین جنگ و هم پس از توقف جنگ، بسیاری از نخبگان، تحلیلگران و سیاستمداران کشورهای مختلف من جمله آمریکا و رژیم صهیونی لب به تمجید شخصیت برجسته و ممتاز ملت ایران و توانمندیهای نظامی آن گشودند و در مقابل معترف بودند که رژیم جعلی صهیونی تقریباً در حال از پا افتادن و له شدن در برابر پاسخ قدرتمندانه ایران بوده است.

۱۷- مفتضح کردن تصویر بی طرفانه و مزورانه نهادهای بین المللی در احقاق حقوق مشروع کشورها در مقابل زیاده خواهی های آمریکا و رژیم صهیونیستی

دستگاه دیپلماسی ایران به عنوان بازوی سیاسی نظام در خلال جنگ ۱۲ روزه، توانست نهادهای بین المللی را در افکار عمومی مفتضح و رسوا کند مانند گروسی مدیرکل آژانس بین المللی اتمی، معاهده NPT، شورای امنیت سازمان ملل که تبدیل شده اند به ابزار دست آمریکا و رژیم صهیونیستی برای سلطه بر ملتهای جهان

۱۸- کنار زدن تصویر منافقانه و ریاکارانه آمریکا در مذاکره برای رسیدن به یک توافق عادلانه و مشروع

سالها بود که آمریکا با ابزارهای مختلف جنگ شناختی و عوامل غربگرای داخلی، با پوشاندن حقیقت، افکار عمومی جامعه ایران را به سمت ایده مزورانه حل مشکلات کشور در قالب مذاکره با آمریکا مهندسی کرده بود. آنچه در جنگ ۱۲ روزه رخ داد کنار زدن این تصویر منافقانه بود که ترامپ را وادار کرد نقاب از چهره بردارد و صراحتاً بگوید: **"ایران باید تسلیم شود"** و بر همین مبنا بود که ملت ایران سیلی سختی را بر گونه آمریکا نواخت.

۱۹- عدم ظهور و بروز شاخص های جنگ زده شدن ایران در جنگ ۱۲ روزه با جلوه گری زندگی عادی مردم در شهرهای مختلف

یکی دیگر از مولفه های قدرت نرم ایران که در جنگ ۱۲ روزه ظهور و بروز زیادی پیدا کرد، رفتار مردم بود. جاری بودن زندگی عادی مردم و عدم ظهور و بروز شاخصه های جنگ زدگی و بحران در کشور مقوله بود که بسیاری از محاسبات دشمن را برهم زد و او را وادار به تامل در ادامه جنگ کرد.

۲۰- تجلی کردن استحکام درونی فوق العاده نظام در مدیریت و راهبری جنگ

جنگ ۱۲ روزه نشان داد که قدرت ایران، صرفاً موشک و پهپاد و دیگر تجهیزات نظامی نیست بلکه استحکام درونی نظام در مدیریت و راهبری جنگ در قالب ارائه خدمات عمومی به مردم، فعال بودن سازمانها و نهادهای حاکمیتی، یکدستی تمام نهادها در تقابل با دشمن و ... بود که خود نشانه ای دیگر از فتح و پیروزی در این جنگ است.

روایت صحیح جنگ، تکمیل کننده رشادتها و تلاشهای عرصه و میدان هست که اگر به درستی انگارهای فتح و پیروزی برای افکار عمومی تبیین نگردد، دست رسانه ای دشمن را مهندسی افکار عمومی برای تغییر موازنه قدرت باز میکند.

در حقیقت، اهمیت و اثرگذاری روایت جنگ، کمتر از قدرت موشکی و توان دیپلماسی نظام نیست و ما میتوانیم با تثبیت انگاره های فتح و پیروزی در افکار عمومی داخلی و بین المللی، از خونهای به ناحق ریخته شهدای جنگ ۱۲ روزه، پاسداری و حراست کنیم.